فارسی دهم

متوسطه دوم

(نکات و خلاصه درس)

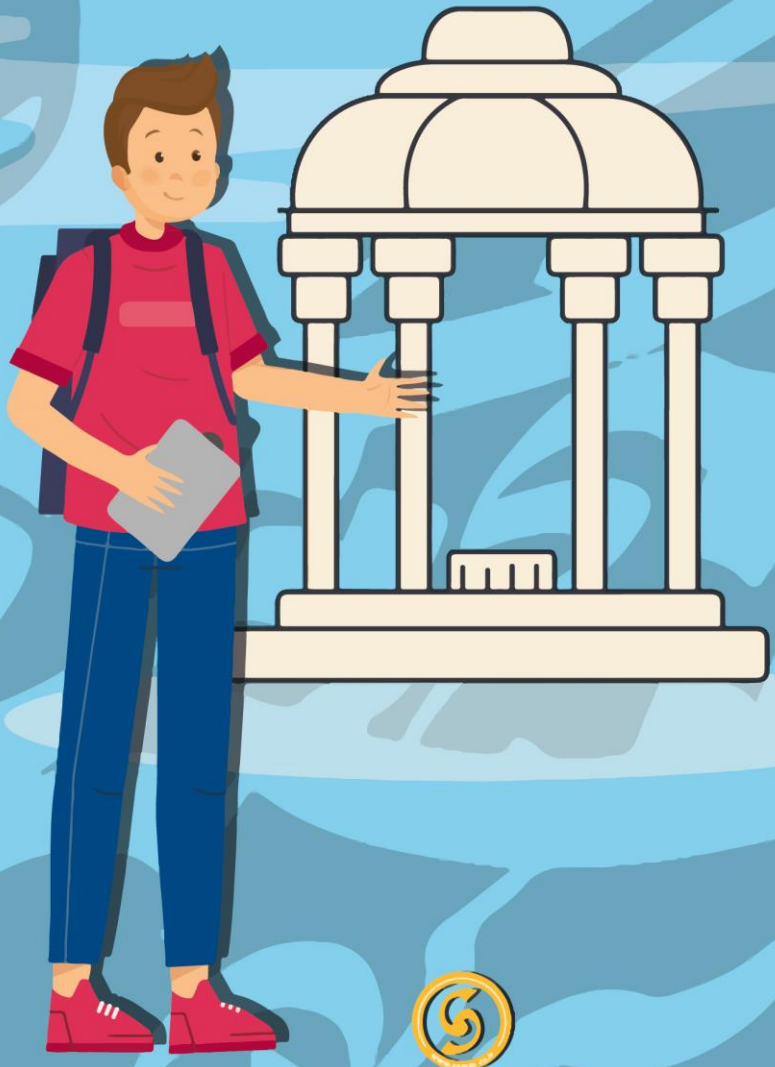

(تمامی حقوق متعلق به مجتمع آموزشی و پژوهشی ثمین می باشد.)

ستایش : به نام کردگار

معنی کلمات

کردگار : آفریننده ، خالق

پیدا کرد : پدید آورد

فضل : لطف ، توجه ، توجه ، احسان

نظر کردن : نگاه کردن

خلّاق : آفریننده

کام : دهان

پرده : حجاب

زهی : هنگام اظهار خشنودی یا تشویق گفته می شود.

افلاک : جمع فلک ، آسمان ها

کفی خاک : یک مشت خاک

رحمت : مهربانی ، بخشش

رزّاق : روزی دهنده

فروغ : روشنایی ، پرتو

پدید آمدن : آشکار شدن

رخسار : چهره

عجایب نقش ها : نقش های عجیب

معنی شعر و نثر

به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

معنی : به نام آفریدگار هفت آسمان که انسان را از یک مشت خاک آفرید.

دانش ادبی : تلمیح به آیه « شما را از خاک آفریدیم » (سوره طه : آیه ۵۵)

مفهوم : خلقت انسان از خاک

الهی ، فضل خود را یار ما کن　　ز رحمت ، یک نظر در کار ما کن

معنی : خداوندا ! با بخشش و کرم خود ، یاری بخش ما باش و از روی بخششت به ما توجه کن .

دانش ادبی : جناس ناقص : یار و کار / کنایه : نظر در کار کسی کردن : کنایه از توجه کردن

تناسب : فضل و رحمت

دانش زبانی : الهی : منادا و شبه جمله است . جمله چهار جزئی به مفعول و مسند است .

مفهوم : طلب رحمت و بخشش از خداوند

تویی رزّاق هر پیدا و پنهان　　تویی خلّاق هر دانا و نادان

معنی : تو روزی رسان هر موجود آشکار و پنهان هستی و تو خلق کننده همه موجوداتی ؛ چه آنها که دارنده عقل اند و چه موجوداتی که از آن بی بهره اند .

دانش ادبی : تضاد : پیدا و پنهان / تضاد : دانا و نادان / تلمیح : به آیه « همانا خداوند رزاق و صاحب نیروی بسیار است » (سوره ذاریات آیه ۵۸) / مجاز : پیدا و پنهان مجاز از کل هستی و دانا و نادان مجاز از همه انسان ها

دانش زبانی : هر دو مصراع ، جمله سه جزئی با مسند هستند.

مفهوم : خالق و روزی رسان بودن خداوند

زهی گویا ز تو ، کام و زبانم　　تویی هم آشکارا ، هم نهانم

معنی : خوشا زبان و دهانم که فقط از تو سخن می گویند ! پیدا و پنهان من تویی .

دانش ادبی : تضاد : آشکار و نهان / تلمیح به : « هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن » / تناسب : گویا ، کام ، زبان

دانش زبانی : زهی شبه جمله است / گویا صفت فاعلی و وندی است .

مفهوم : تجلی خداوند در هر چیز؛ گویا شدن زبان انسان

چو در وقت بهار آیی پدیدار حقیقت ، پرده برداری ز رخسار

معنی : هنگامی که در وقت بهار آشکار می شوی ، در حقیقت از چهره ات پرده بر میداری .

دانش زبانی : « پدیدار » در مصراع نخست مسند است . / « آیی » در معنی می شوی و فعل اسنادی است / حقیقت : قید / پرده : مفعول

مفهوم : تجلی زیبایی خداوند در زیبایی های جهان

فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش ها سازی سوی خاک

معنی : در فصل بهار پرتوی از چهره ات را به سوی خاک می اندازی و نقش عجیبی را بر خاک ایجاد می کنی .

دانش ادبی : جناس ناقص : رو ، سو

دانش زبانی : « ت » در رویت ، مضاف الیه است . / ترکیب « عجایب نقش ها » ترکیب وصفی مقلوب است ./ سوی خاک : قافیه

مفهوم : تجلی زیبایی خداوند در زیبایی های جهان

گل از شوق تو خندان در بهار است از آنش رنگ های بی شمار است

معنی : گل به خاطر شوق تو است که در بهار می خندد و شکوفا می شود ؛ و به این دلیل است که رنگارنگ است .

دانش ادبی : جان بخشی به گل / خندان شدن گل : کنایه از شکفتن / حسن تعلیل : ذکر علتی شاعرانه برای شکفتن گل

دانش زبانی : ضمیر پیوسته « ش » در آنش به معنی « برای او » آمده است و نقش متمم دارد .

مفهوم : تجلی عشق به خداوند در زیبایی های جهان

هر آن وصفی که گویم ، بیش از آنی یقین دانم که بی شک ، جان جانی

معنی : هر وصفی که از تو کنم ناقص است و تو از آن بیشتری ، مطمئن هستم که تو بی شک مرکز و حقیقت روح هستی .

دانش ادبی : جناس ناقص : آن و جان

دانش زبانی : « ی » در وصفی نشانه ناشناس (نکره) است و « ی » آخر هر دو مصراع نقش فعل اسنادی را دارد .

مفهوم : وصف ناپذیری خداوند ، حقیقت هستی بودن خداوند

نمی دانم ، نمی دانم ، الهی تو دانی و تو دانی ، آن چه خواهی

معنی : خدایا من هیچ چیز نمی دانم . تنها تویی که از خواست خود آگاهی .

دانش ادبی : تکرار : نمی دانم و تو دانی / واج آرایی : ن ، ی / تضاد : نمی دانم و دانی

دانش زبانی : بیت شش جمله است .

مفهوم : ابراز عجز در برابر خداوند ، نا آگاهی انسان در برابر علم الهی

دانش ادبی :

آرایه حسن تعلیل

یعنی ذکر علتی شاعرانه و غیر واقعی برای چیزی که دلیلی منطقی یا علمی دارد.

خاک بغداد به مرگ خلفا می گرید ورنه این شط روان چیست که در بغداد است ؟

شاعر برای جاری بودن رود دجله در بغداد دلیلی شاعرانه ذکر می کند : بغداد برای خلیفه هایی که مرکز حکومتشان آنجا بوده و حالا مرده اند گریه می کند .

به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می پرد از شوق ، چشم کوکب ها

شاعر برای چشمک زدن ستاره ها دلیلی شاعرانه ذکر می کند : از شدت شوق پلک چشم ستاره ها می پرد .

لغت و املاء

کلمات مهم املایی : فضل – رزّاق – خلّاق – فروغ – وصف –

شبه جمله ها

گروهی از کلمات یا اصوات اند که مانند جمله می توانند معنای کاملی منتقل کنند و به همین دلیل در شمارش جملات ، یک جمله مستقل شمرده می شوند .

به دو دسته تقسیم می شوند : ۱) صوت ۲) منادا

صوت : کلماتی که برای بیان احساسات و حالت های عاطفی اسفاده می شوند .

مانند : هان ، هیس ، به به ، آی ، افسوس ، دریغ ، کاش و .....

منادا : کلماتی که برای صدا زدن و مخاطب قرار دادن فردی به کار می روند .

مانند : ای ، حافظا ، سعدیا و ....

تاریخ ادبیات

عطار نیشابوری شاعر و عارف قرن ششم (ه ق) است .

نوشته های او : الهی نامه ، منطق الطیر ، تذکره الاولیاء

بانک محتوای آموزشی SET

آسان و سریع مطالب مهم را مرور کنید و برای آزمون آماده شوید.

همین الان کلیک کن

ویدئو آموزشی

با ویدئوهای کوتاه درس به درس، مطالب درس را آسان و سریع یاد بگیرید.

خلاصه نکات

با خلاصه نکات درس به درس فقط به نکات مهم بهردازید و زمان را ذخیره کنید.

نمونه‌سوالات حل شده

با نمونه سوالات حل شده درس به درس، مثال‌های مهم را ببینید و مفاهیم را آسان درک کنید.

دوره‌های آموزشی

با دوره‌های آموزشی وارد مسیر یادگیری شوید و گام به گام خود را در کل درس راحت کنید.

set.ir

www.youtube.com/@saminskill

www.aparat.com/set_ir_official

www.instagram.com/set.ir.shop

t.me/set_ir_levelup

@set_ir_levelup

@levelupset

۰۲۱۴۴۰۷۰۷۳۰

۰۹۰۲۷۱۴۳۴۰۲

اسکن کنید